

معیار مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر در نظام کیفری ایران و

مصر

حمید محمدی*

(تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۲)

چکیده:

مسئولیت کیفری حاصل نمی‌شود مگر به دو شرط: ۱- داشتن قدرت تشخیص ۲- داشتن اراده آزاد. فقدان هر یک از این دو، مانع مسئولیت کیفری است. از این رو، قدرت تشخیص و اراده آزاد دو شرط اساسی مسئولیت کیفری هستند. در نظام کیفری ایران، مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌شود که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد. در نظام کیفری مصر، اصل بر شخصی بودن مجازات است و در نظام کیفری ایران اصل بر شخصی بودن مسئولیت کیفری است. در نظام کیفری مصر، مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری از سال ۱۹۴۵ میلادی پذیرفته شده و اجراء می‌گردد، اما تعریفی از آن ارائه نشده و دامنه آن محدود نیست. مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران کاملاً محدود به نص قانون است و رویه قضایی در تشخیص و ایجاد آن در عمل توانایی ندارد. این مسئولیت افزون بر تضمین منافع عمومی، هم بازدارنده و پیش‌گیرنده است و هم نقشی سازنده در اقتصاد و حمایت از حقوق کارگر و نیز حمایت از سرمایه‌گذار دارد. با این وصف در صورتی که از حصار قانون خارج شود، می‌تواند آثار زیانبار بسیاری در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، رفتار دیگری، نظام کیفری، معیار، ایران، مصر

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی:

h.mohamadi2216@gmail.com

مقدمه

مسئولیت کیفری به معنای التزام به تحمل نتایج قانونی جرم است. مسئولیت کیفری مبتنی بر ادراک و تشخیص و نیز آزادی اراده و اختیار است. مطابق نص قرآن، هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. مسئولیت صفتی است که از واژه مسئول در زبان عربی ساخته شده است. در فقه اسلام به جای مسئولیت بدان معنا که در حقوق ایران از آن اراده می‌شود، از اصطلاح ضمان استفاده می‌شود که معنای وسیع‌تری از مسئولیت را در بر دارد. در زبان فارسی، منظور از مسئولیت، رابطه‌ای است که از فعل یا ترک فعل زیان‌آور به مصالح فرد یا مصالح جامعه ناشی شده باشد. عنصر مسئولیت، عدوان است.

در حقوق کیفری، اصل بر شخصی بودن مسئولیت و شخصی بودن مجازات‌ها است. برخی منع مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را نتیجه اصل شخصی بودن مجازات‌ها می‌دانند و از این رو مسئولیت کیفری اشخاص ثالث را به استناد آن منتفی می‌شمارند. بدین سان، در نظام کیفری ایران، مسئولیت مدیر مسئول نشریه و مسئولیت کارفرما را می‌توان به عنوان موارد استثناء برشمرد. در نظام کیفری مصر، به مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به عنوان یک تعهد و تکلیف قهری فرد درنگریسته می‌شود که ناشی از قانون است، چنانکه مسئولیت کیفری، مسئولیت مرتکب جرمی است که در قانون تصریح شده و شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون محکوم خواهد شد. در تعریف قانون مجازات عمومی مصر، مسئولیت کیفری به کسی تحمیل می‌شود که دارای اهلیت و شایستگی لازم، شعور و قدرت تشخیص و تمیز بوده و نیز بالغ باشد. اما در نظام کیفری مصر اساساً در باره این امر سخنی گفته نشده است. البته مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به ویژه پیرو پیشرفت‌های صنعتی و مقتضیات روز، در حقوق کیفری مصر پا به میدان عمل و اجراء گذاشته است و آثار بسیار مثبتی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به جای نهاده است. امید می‌رود در نظام کیفری ایران نیز همین گونه و بلکه گسترده‌تر آثار عملی و اجرایی آن پدیدار شود. وانگهی، به موجب ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به دو نکته اشاره کرد. نخست آنکه مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری پذیرفته

شده و دوّم آنکه معیار آن قانون و سپس تقصیر مرتکب جرم مقرر شده است. از این رو، مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری هم در جرایم عمدی و هم در جرایم ناشی از تقصیر (خطای جزایی) مصداق دارد. در نظام کیفری کشور مصر معیار این مسئولیت در جرایم عمدی به موجب قانون و در مواردی در جرایم خطایی به وسیلهٔ رویه قضایی مقرر می‌شود.

در پژوهش پیش‌رو در هشت گفتار معیار مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران و مصر بررسی می‌شود. بدین‌سان، در گفتار نخست تعاریف واژگان در نظام کیفری ایران و مصر، در گفتار دوّم معیار مسئولیت کیفری، در گفتار سوّم اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، در گفتار چهارم قلمرو اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در نظام کیفری ایران و مصر، در گفتار پنجم مصادیق قانونی مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در دکترین و رویه قضایی ایران و مصر، در گفتار ششم تحلیل معیار مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در ایران و مصر، در گفتار هفتم بررسی و تحلیل نمونه‌ای از آراء مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در رویه قضایی مصر، در گفتار هشتم بررسی شرایط مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران و مصر و سرانجام نتیجه به میان می‌آید.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش کلیدواژگان بررسی می‌شوند.

۱-۱. مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری مرتکب جرمی از جرایم مقرر در قانون مجازات را گویند که شخص مسئول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون محکوم خواهد شد. در حالی که در مسئولیت مدنی افراد متضرر از رفتار شخص هستند، در مسئولیت کیفری جامعه متضرر از جرم است. در مورد مسئولیت کیفری اسقاط حق به صلح و سازش میسر نیست. در مسئولیت کیفری به ویژه داشتن عمد (یعنی فرضی که تحقق آن مشروط به علم مرتکب به موضوع جرم و قصد ارتکاب رفتار و حسب مورد

قصده نتیجه یا علم به وقوع آن است)، شرط تحقق جرم و مسئولیت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۴۳).

۲-۱. مسئولیت قانونی

مسئولیت قانونی هر نوع مسئولیتی است که در قانون پیش‌بینی شده باشد و یک پاسخ قانونی (مدنی یا کیفری) برای آن معین شده باشد. مسئولیت قانونی دو فرض دارد: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری. قدر مشترک آنها نقض تعهد و الزام (تعهد عقدی و قانونی) است. اصطلاح مسئولیت قانونی ترجمه اصطلاح (Legal responsibility) است. در فقه مترادف مسئولیت قانونی، ضمان است که هم در امور کیفری و هم در امور مدنی بکار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۴۴).

۳-۱. رفتار

عبارت از حرکت عضوی از اعضاء بدن از روی اراده است. در اصطلاح حقوقی، رفتار شامل فعل و ترک فعل می‌شود، برای مثال کسی که بر اثر بی‌مبالاتی دیوار کهنه خانه خود را تعمیر نکند و بر اثر فروریختن آن به جان و مال همسایه یا رهگذران خسارت وارد شود مصداقی از رفتار از نوع ترک فعل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۴۷۱).

۴-۱. دیگری

دیگری یا غیر در اصطلاح حقوقی یعنی شخصی غیر از فرد مسئول کیفری. در واقع، دیگری مرتکب مادی رفتار مجرمانه است که مسئولیت آن بر عهده شخص دیگری است. در این باره می‌توان بدین نمونه‌ها اشاره کرد: کارگری که مسئولیت رفتار او را کارفرما بر عهده دارد، نویسنده مقاله‌ای که مسئولیت رفتار او را مدیر مسئول بر عهده دارد، خادمی که مسئولیت رفتار او را مخدوم بر عهده دارد و نیز عاقله که مسئولیت پرداخت دیه جنایات را به جای مرتکب بر عهده دارد.

۵-۱. نظام کیفری

به مجموعه قواعد، قوانین و مقررات کیفری لازم‌الاجراء در زمان معین و در جامعه معین نظام کیفری گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۷۱۵).

۶-۱. معیار

معیار به معنای اندازه و مقیاس و وسیله سنجش، وسیله‌ای است که با آن چیزی سنجیده شود یا امری است که ترازویی برای سنجش و سنگ محک امور باشد (عمید، ۱۳۴۹: ۹۹۲).

۲. معیار مسئولیت کیفری در نظام حقوقی مصر و ایران

۱-۲. مصر

در نظام کیفری کشور مصر، مسئولیت کیفری باری است بر دوش که هر کسی استحقاق تحمل آن را ندارد. از این رو کسی از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که شرایط آن را داشته باشد. در نظام حقوقی مصر، دور از ذهن به نظر می‌رسد که کسی مرتکب جرم بشود، اما مسئولیت آن را خود بر عهده نگیرد، گرچه در نظام مذکور همواره تلازم بین ارتکاب جرم و مسئولیت کیفری وجود ندارد. رابطه ارتکاب جرم و تحمل مجازات مقرر در قوانین جزایی هم به همان سان است. این معنی از آن روی است که مسئولیت کیفری در نظام حقوقی مصر به موجب قانون اساسی حالت و شایستگی ویژه‌ای است که باید در شخص مرتکب جرم با توجه به همه جهات و اوضاع و احوال وجود داشته باشد تا مجازات را تحمل کند. بنابر مراتب و به استناد اصول و قواعد حقوق کیفری مصر مسئول بودن مشروط به آن است که نخست، شخص مرتکب رفتار خلاف قانون شود و دوّم، وضع و حال روانی مرتکب به گونه‌ای باشد که استحقاق مسئولیت را داشته باشد. بنابراین، هنگامی می‌توان گفت کسی از نظر کیفری مسئول است که هم مرتکب جرم شده باشد و هم بتواند مسئول رفتار مجرمانه خود باشد. در غیر این صورت، شخص نامسئول، حتی اگر رفتارش برخلاف قانون باشد مستوجب مجازات نخواهد بود (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۳۷).

۲-۲. شرایط مسئولیت کیفری در حقوق مصر

در نظام کیفری مصر مسئولیت کیفری حاصل نمی‌شود مگر با فراهم آمدن دو شرط که عبارتند از: ۱- داشتن توانایی تمیز، «قدرت تشخیص» ۲- داشتن اراده آزاد. از همین روی قانون مجازات عمومی مصر مصوب ۱۹۳۷ در ماده ۶۲ در رابطه با موانع مسئولیت کیفری تصریح می‌کند که نبودن هر کدام از این دو شرط در شخص مرتکب جرم، مانع از ثبوت مسئولیت کیفری او است. این تصریح قانونگذار مصری به این معنی است که وقتی وجود دو شرط پیش گفته در باره کسی ثابت شد مسئولیت کیفری وی نیز ثابت است (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۳۸).

۳-۲. شرایط مسئولیت کیفری در حقوق ایران

ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌کند که «مسئولیت کیفری در حدود و قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است». چنانکه ملاحظه می‌شود قانونگذار ایرانی، شرایط ثبوت مسئولیت کیفری را عقل و بلوغ و اختیار مرتکب جرم شناخته است. در مقایسه با حقوق کیفری مصر، شروط اساسی مسئولیت کیفری عبارتند از: ۱- قدرت تشخیص ۲- اراده آزاد. اما در توجیه ماده ۶۲ قانون مجازات عمومی مصر باید گفت که واژه «شعور» به معنی ادراک، وجدان، عاطفه، احساس (انطون الیاس، ۱۳۵۸: ۳۴۶)، فهم، دریافتن و دانستن است (عمید، ۱۳۴۹، ۶۳۳).

۴-۲. مسئولیت و شعور در حقوق مصر

کلمه شعور در نوشته‌های حقوقدانان مصری کم به چشم می‌خورد، اما به جای آن از واژه «ادراک» بیشتر استفاده می‌شود. البته قانونگذار مصری در وضع ماده ۶۲ قانون مجازات عمومی واژه «شعور» را به کار گرفته است. با این همه، هر سه واژه شعور و تمیز و ادراک از نظر لغوی و ادبی مترادف معنوی دارند، اما از جهت دلالت لغوی بین آنها تفاوت وجود دارد. به نظر می‌رسد

واژه تمیز از جهت دلالت و معنی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به مقصود قانونگذار مصری باشد. ضمن اینکه این واژه از سوی قانونگذار مصری در قانون مدنی هم به کار رفته است و هم از جهت قانونی و هم از جنبه فقهی پذیرفته شده است. اما منظور از تمیز فقط توانایی شخص به ادراک آنچه که در اطراف او می‌گذرد نیست. همچنین، تنها ناظر به توانایی درک ماهیت اعمال و نتایج طبیعی آنها هم نیست. بلکه منظور از تمیز تشخیص تفاوت اعمال و برتری آنها و در واقع توانایی شخص در رابطه با ارزش اجتماعی رفتاری است که از او سر می‌زند، چنانکه نخست، باید بداند آیا این رفتار موجب زیان و یا به خطر انداختن حقوق دیگران هست و دوم، درک کند که آیا رفتار او در توافق یا تعارض با مقتضیات زندگی اجتماعی است. از آنجا که «تمیز» طبعاً امری است که در میان مردم با توجه به زمان و مکان توجیه و تبیین می‌شود و از این جهت که امری ذهنی است و قابل مشاهده نیست، ممکن است در هر جامعه‌ای با معانی و برداشت‌های متفاوتی مواجه باشد. به نظر می‌رسد از همین روی است که قانونگذار مصری اماره خارجی را در دلالت آن به کار برده است، چنانکه این مهم را در نظر داشته که زمانی به کسی صفت تمیز نسبت داده می‌شود که او به سن پانزده سال رسیده باشد (ماده ۷ و ماده ۱۵ قانون نوجوانان مصر).

چنانکه از لحن قانونگذار مصری، استنباط می‌شود، «تمیز» بایستی از جهت طبیعی اسباب و وجود آن در ذهن و روان اشخاص، گرچه به درجات متفاوت، پیش از ترتب مسئولیت کیفری و حین ارتکاب جرم محقق باشد. زیرا منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد که انسان به کلی فاقد قدرت «تمیز» باشد و آنگاه ناگهان این توانایی را به دست آورد، به این دلیل که قدرت تمیز هم مانند سایر قوای انسانی به تدریج در وجود هر شخص ظاهر می‌شود. از این رو، قانونگذار مصری از این دیدگاه بدین امر نگریسته است که شخص هنگامی دارای توانایی «تمیز» است که بتواند احکام را درک کند و به خاطر بسپارد و آزادانه اجراء کند. بدین سان، به نظر می‌رسد قانونگذار مصری در حقیقت این معنی را در نظر داشته که سن بلوغ حالتی است که انسان از توانایی‌هایی برخوردار می‌شود و می‌تواند از آنها بهره برد که پیش‌تر از آنها محروم بوده است. بنابراین، چنین لحاظ شده است که انسان دارای قوه تمیز، عادتاً کسی است که به سن بلوغ رسیده باشد و بر

همین اساس در تنظیم ماده ۶۳ قانون مجازات عمومی، سن بلوغ را قرینه قدرت تمیز محسوب کرده است (محمدی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۵-۲. رابطه آگاهی به قانون و مسئولیت در نظام کیفری ایران و مصر

این امر در مسئول بودن شخص شرط نیست که او از هر جهت نسبت به قانون، احکام کیفری و اعمال خود احاطه علمی داشته باشد. این امر مورد اتفاق دانشمندان حقوقی است. البته برخی حقوقدانان بر این باورند که علم به قانون و احکام واجب است و جهل به قانون را از سوی شخص مسئول نمی‌پذیرند. ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی ایران مقرر می‌کند که «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم، عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود». به نظر می‌رسد چنین پنداری از سوی قانونگذار مصری، قابل پذیرش نیست آن هم بدین سبب که اگر لازمه تمیز همواره علم به قانون باشد دیگر چه نیازی به بایستگی رعایت قانون هست؟ این عقیده به دو دلیل مردود است: نخست آنکه وجود «قدرت تمیز» در انسان به خودی خود بیانگر احاطه علمی او به ماهیت اشیاء پیرامون و یا ادراک او از اشیاء نیست، بلکه به داشتن این توانایی در وی دلالت دارد. همچنین، مقتضای داشتن قدرت تمیز آن است که جز ادراک، امر دیگری بیانگر تشخیص ارزش اجتماعی رفتار از سوی انسان نیست. بنابراین، جهل به قانون خللی در شرط «تمیز» در مسئولیت کیفری ایجاد نمی‌کند، خواه اینکه جهل همراه با توانایی علم به قانون یا مقرون به ناتوانی مطلق شخص در علم به قانون باشد. دوم آنکه آزادی «اختیار» - آزادی اراده در اطلاق عام، یعنی توانایی شخص در قرار دادن رفتارهای مثبت و منفی در حد امکان در کنار همدیگر و آنگاه سنجش و گزینش رفتاری که انجام آن را برتر و نیکو بداند، چنانکه انجام آن در رسیدن به آنچه نیاز او را تأمین می‌کند کارساز باشد. در رابطه با آزادی اراده در نظام کیفری ایران هم باید گفت که وقتی مراد از آن توانایی شخص در کنار هم نهادن اشکال مثبت و منفی رفتارها در حد امکان و برگزیدن برترین آنها از نظر خودش باشد و منظور

از آزادی اراده این معنی باشد، دیگر اطلاق آن منتفی است و بلکه معنی مقید آن منظور نظر است.

۲-۶. درجات مسئولیت کیفری

در نظام کیفری مصر مسئولیت کیفری بر وجود قدرت تمیز و آزادی اراده آدمی مبتنی است. این دو مورد خصوصیات هستند مربوط به روان و به نسبت وضع و حال اشخاص واجد کاستی و کمال به میان می‌آیند. بنابراین، وجود عقل به تنهایی نمی‌تواند مدرک تقسیم‌بندی اشخاص از نظر مسئولیت‌پذیری باشد، زیرا تحمیل مسئولیت کیفری به مرتکب جرم به میزان قدرت تمیز و آزادی اراده و داشتن اختیار او بستگی دارد. به نظر می‌رسد قانونگذار مصری، از باب توجه به همین خصوصیات در رابطه با تحمیل مسئولیت کیفری، اشخاص را در سه گروه قرار داده است: گروه نخست شامل کسانی هستند که دارای مسئولیت کامل و تام هستند. گروه دوم شامل کسانی هستند که مسئولیت آنان ناقص است و گروه سوم شامل کسانی هستند که فاقد مسئولیت کیفری هستند. جز این تقسیم‌بندی، قانونگذار مصری در رابطه با مسئولیت به شرط سن هم توجه ویژه‌ای نموده است. بنابراین، قانون مجازات عمومی مصر کاستی فقدان نصّ راجع به سن مسئولیت کیفری را با وضع مواد ۷ و ۱۵ قانون کودکان و نوجوانان جبران نموده است (عوض محمد، ۱۹۸۷، ۴۳۹).

۳. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

۳-۱. شخصی بودن مسئولیت در نظام کیفری مصر

امروزه در حقوق کیفری اصل این است که هیچ انسانی در معرض مسئولیت کیفری قرار نمی‌گیرد، خواه به عنوان مباشر یا شریک و معاون جرم، مگر اینکه مداخله او در ارتکاب رفتاری در قانون مجازات جرم شناخته شده و خود خواسته از او سر زده باشد، خواه به صورت فعل یا ترک فعل. همچنین، در حقوق کیفری این اصل وجود دارد است که جرم و مجازات باید قانونی

باشد. این اصل مورد پذیرش عقل سلیم است و در نیل به عدالت در هر زمان و مکان اطلاق دارد. ضمن اینکه اجرای این اصل در راستای تحقق عدالت و اهداف حقوق کیفری و در توجیه فلسفه اجرای مجازات راهنما است. از این رو، این حالت از روی منطقی و عقل سلیم قابل تصور است که هر گاه شخصی مرتکب جرم شود، از وی دلیل و علت آن بازخواست شود. اما بازخواست از دیگری غیر قابل تصور است، زیرا امکان ندارد که مسئولیت مرتکب جرم فراتر از او رود و شامل دیگری شود در حالی که نه سهمی در ارتکاب جرم داشته، نه مباشر و نه شریک جرم بوده است. شخصی بودن مسئولیت کیفری از اصول مسلم حقوق جزا است. از همین روی بسیاری از قوانین کیفری نیازی به تصریح آن نمی بینند و چه بسا تأخیر قانونگذار ایرانی تا سال ۱۳۹۲ بدین سبب بوده است. این اصل بدین معنا است که هر شخص تنها در قبال رفتار خویش مسئول است و هیچ کس را نمی توان در قبال رفتار دیگری مسئول شناخت. شخصی بودن مسئولیت در حقیقت واکنشی در مقابل پنداشت جمعی بودن مسئولیت است. از این رو، مسئولیت به علت رفتار دیگری استثنائی است بر اصل شخصی بودن مسئولیت و مجازات. در آیات قرآن کریم مقرر شده که «هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد».

در قوانین کیفری مصر نصی قانونی در رابطه با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، وجود ندارد. اگرچه از مفهوم برخی از مواد قانون می توان استنباط کرد که این اصل یکی از اصول شناخته شده در حقوق کیفری مصر است. برای مثال، اصل ۱/۶۶ قانون اساسی مصر مقرر می کند که «اصل بر شخصی بودن مجازات است». اما اصل پیش گفته تصریح در «شخصی بودن مسئولیت کیفری ندارد»، جز اینکه به نوعی از مفهوم این اصل می توان اصل شخصی بودن مسئولیت را هم استنباط کرد. یا شاید بتوان گفت در کمترین وجه می توان از آن چنین برداشتی کرد (محمد عوض، ۱۹۸۷: ۴۴۲).

با وجود این، در قوانین جزایی کشور مصر، نوعی هماهنگی در رابطه با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، احساس می شود، به این معنی که اندیشمندان حقوقی در مصر بر این باورند که قانونگذار مصری عمداً اصل شخصی بودن مسئولیت را فرو گذاشته است، زیرا در قوانین و

مقررات مصر، مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، از مدت‌ها قبل از تدوین قانون اساسی فعلی مصر، پذیرفته شده و در حال اجراء است. در مقابل، برخی از حقوقدانان این نظر را نمی‌پذیرند و عدم وجود نصّ صریح در این رابطه در مقررات کیفری مصر را یک کاستی تقنینی می‌دانند. در حالی که به نظر می‌رسد در تدوین قانون اساسی مصر، به اقتضای اصل ۱/۶۶ آگاهانه از واژه «عقوبت» استفاده شده که به نوعی متضمن مسئولیت کیفری نیز می‌باشد، زیرا اصل مذکور مقرر نموده است که «علی انّ العقوبه شخصیه ...» یعنی اصل بر شخصی بودن مجازات است (محمدعوض، ۱۹۸۷: ۴۴۴-۴۴۳).

۲-۳. شخصی بودن مسئولیت در نظام کیفری ایران

ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌کند که «مسئولیت کیفری، شخصی است». چنانکه ملاحظه می‌شود قانونگذار ایرانی هم در تنظیم ماده مذکور ظاهراً از مسئولیت کیفری، مجازات را هم در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد که در نظر قانونگذار ایرانی، مجازات می‌تواند به غیر از شخصی که جرم را مرتکب شده نیز سرایت کند. به ویژه اینکه مورد نخست ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به دو گونه از مجازات دلالت دارد: مجازات‌های شخصی و مجازاتی که شامل حال شخصی غیر از محکوم علیه «مباشر جرم» نیز می‌شود. این معنی وقتی تقویت می‌شود که در ماده ۵ همان قانون، تصریح شده است که «تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مباشر، شریک و معاون جرم خواهد بود». می‌توان با مسامحه واژه تعقیب را شامل مجازات نیز دانست، زیرا تا زمانی که کسی از جهت کیفری تعقیب نشود مجازات او هم متصور نیست. البته این ماده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ حذف شده است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی هم با لحاظ ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در ماده ۱۴۱ عمداً از ذکر شخصی بودن مجازات چشم‌پوشی کرده است. افزون بر این، به نظر می‌رسد که حذف ماده ۵ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در قانون جدید و نیز حذف عبارت «در مجازات‌های شخصی» از شق «الف» ماده ۱۳ قانون مذکور از همین روی بوده است.

۴. شخصی بودن مسئولیت در نظام کیفری مصر و ایران

۴-۱. مصر

در برخی از قوانین کیفری و دکترین حقوقی و دادنامه‌های صادره از دادگاه‌های کشور مصر مواردی از خروج از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دیده می‌شود. از جمله این موارد که نشانگر صریح خروج از حدود این اصل از حقوق کیفری است، مواردی است که در «مجموعه مقررات کیفری» مشاهده می‌شود. این موارد در برخی از قوانین و مقررات خاص به ویژه قوانینی که دارای ماهیت اقتصادی هستند گنجانیده شده‌اند، مانند ماده ۱۹۵ قانون مجازات عمومی مصر که بیانگر تجویز تعقیب کیفری رئیس هیئت تحریریه روزنامه و نشریه و یا مدیر مسئول نشریه مانند مرتکب اصلی جرم در جرایمی است که به وسیله درج در نشریه ارتکاب می‌یابند. همچنین این مقرره بیانگر موارد معافیت از مسئولیت کیفری آنان است آن هم در صورتی که ثابت شود انتشار روزنامه حاوی نوشته مجرمانه بدون علم و اطلاع رئیس هیئت تحریریه یا مدیر مسئول صورت گرفته باشد. در این حالت قلمرو تعقیب کیفری از مدیر مسئول و رئیس هیئت تحریریه فراتر رفته و شامل همه کسانی می‌شود که در درج نوشته و تنظیم و انتشار روزنامه مداخله داشته‌اند. از این رو، از آنان که دست‌اندرکار ابتدائی بوده تا فراهم‌آورنده برگه‌های «کاغذ» نشریه با لحاظ میزان مداخله و علم و اطلاعی که در این رابطه دارند به عنوان مسئول کیفری به علت رفتار دیگری مورد شناسایی قرار گرفته و مورد تعقیب قرار می‌گیرند.

۴-۲. مصادیق مسئولیت به علت رفتار دیگر در نظام کیفری ایران و مصر

۴-۲-۱. جرایم مطبوعاتی

در نظام کیفری ایران مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در صورتی متصور است که رفتار دیگری از منظر قانون قابل مجازات بوده و در ارتباط با مقرراتی باشد که مسئول رفتار دیگری شخصاً رعایت آن مقررات را تعهد کرده باشد (نوربها، ۱۳۶۷: ۲۷۶). هر کس وظیفه حفظ و

مراقبت یا نظارت بر رفتار دیگری را به عهده داشته باشد و در انجام تکلیف خود کوتاهی کند و به این سبب از ناحیه دیگری جرمی ارتکاب یابد مسئول است، هر چند تقصیر مرتکب یا ثالث نیز در وقوع جرم مؤثر باشد (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۰: ۸۰). ماده ۲۷ قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ مقرر می‌کند که «هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد». ماده ۳۱ قانون مطبوعات هم مقرر می‌کند که «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد». چنانکه از مقایسه ماده ۱۹۵ قانون مجازات عمومی مصر و مواد ۲۷ و ۳۱ قانون مطبوعات ایران استنباط می‌شود، می‌توان گفت که قانون مجازات عمومی مصر و نه دیگر قوانین جزایی، معیار تعیین مجازات قرار داده شده و مبنا در تصمیمات مراجع قضایی ماده ۱۸۷ تا ۲۰۱ قانون مجازات عمومی مصر است و مجازات نویسنده و رئیس هیئت تحریریه نشریه و مدیر مسئول نشریه بر اساس آن تعیین می‌شود. لازم به ذکر است که قانون مجازات در مصر به ندرت تغییر می‌کند. اما در نظام کیفری ایران معیار در اقدامات کیفری در رابطه با جرایم مطبوعاتی، قانون مطبوعات است. دیگر اینکه در قانون مطبوعات ایران مقنن در جرایم مطبوعاتی، اصولاً مدیر مسئول نشریه را مقدمتاً، از نظر کیفری مسئول شناخته و در رابطه با جرایم مندرج در ماده ۲۷ قانون مذکور علاوه بر مدیر مسئول، نویسنده مطلب را نیز مسئول شناخته است. سرانجام، به نظر می‌رسد قانونگذار مصری در توجیه مسئولیت کیفری رئیس هیئت تحریریه و مدیر مسئول به عنوان مسئول کیفری رفتار دیگری تمهید مقدمه کرده است آن هم به این دلیل که ظاهراً در حقوق کیفری مصر سابقه دارد. اما قانونگذار ایرانی در مسئولیت مدیر مسئول نشریه به شکل ایجابی عمل نموده است.

۴-۲-۲. مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در جرایم مربوط به خوار و بار

رسانی و نرخ بندی

پیرو فرمان مربوط به قانون صادرات و واردات «خواروبار رسانی» مصر به شماره ۹۵ سال ۱۹۴۵ در ماده ۵۸ آن قانون مقرر گردیده است که «صاحب محل یا مدیر یا جانشین او در اداره محل کار، نسبت به کلیه وقایع در محل از جهت تخلف از مقررات مندرج در این قانون از نظر کیفری مسئول شناخته می شوند و مجازات مقرر درباره آنها اعمال خواهد شد. اگر ثابت گردد که جرم به جهت غیبت و یا عدم امکان اعمال نظارت و یا عدم امکان پیشگیری از وقوع آن از سوی نامبردگان ارتکاب یافته است، در این صورت در اعمال مجازات آنان به محکومیت به پرداخت جزای نقدی وفق ماده ۵۰ الی ۵۶ مقرر در این قانون بسنده خواهد شد».

ماده ۱۵ قانون شماره ۱۶۳ مربوط به فرمان سال ۱۹۵۰ در رابطه با امور نرخ بندی اجباری و محدودیت سودبری در فروش کالا نیز مانند مضمون ماده ۵۸ مذکور مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را تجویز نموده است.

۴-۲-۳. جرایم مربوط به اماکن عمومی

ماده ۳۸ قانون شماره ۳۷۱ سال ۱۹۵۶ در خصوص امور مربوط به اماکن عمومی مقرر می کند که «مالک محل و مدیر و کسی که وظیفه کنترل و نظارت در محل را دارد، نسبت به رفتار کسانی که در آنجا اشتغال دارند و نسبت به هرگونه تخلف از مقررات این قانون که در محل ارتکاب یابد، مسئولیت کیفری دارند. ماده ۱۷ قانون شماره ۱۱۸ سال ۱۹۷۵ در رابطه با امور مربوط به صادرات و واردات در کشور مصر مقرر می کند که «در صورتی که جرایم مقرر در این قانون از ناحیه شرکت یا گروهی از افراد یا امثال آنها و یا از جانب اشخاص حقوقی یا سهامدار «عضو شرکت و مؤسسه» و یا عضو هیئت مدیره یا نماینده و یا رئیس هیئت مدیره حسب مورد ارتکاب یابند از نظر کیفری مسئول خواهند بود».

۴-۲-۴. جرایم پولی و ارزی

ماده ۱۶ قانون شماره ۹۷ سال ۱۹۷۶ مربوط به معاونت در جرایم ارزی و یا خرید و فروش با پول کشور بیگانه مقرر می‌کند که «در صورت محکومیت به پرداخت جزای نقدی به اتهام ارتکاب جرم از سوی شخص حقوقی یا یکی از ارگان‌های دولتی و یا در بخش عمومی و یا بخش خصوصی، شخص حقیقی که در هر کدام از واحدهای مذکور دارای وظیفه بوده و شخص حقوقی «هر دو» مسئولیت خواهند داشت، هم در پرداخت جزای نقدی و هم سایر مجازات‌های مالی به طوری که منفرداً و متضامناً پاسخگو خواهند بود» (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۵).

۴-۲-۵. قانون مجازات مصر

ماده ۱۹۸ قانون مجازات عمومی مصر مقرر می‌کند که «کسی که در جمعی شرکت می‌کند و از هدف آن جمع آگاه است، نسبت به هر جرمی که از جانب یکی از آنان به قصد اجرای هدف جمع، ارتکاب یابد، از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود. همچنین رهبران اداره‌کنندگان آن جمع نسبت به هر جرمی که از ناحیه هر یک از اعضای آن جمع ارتکاب یابد مسئولیت کیفری دارند».

۴-۲-۶. جرایم روسپیان

مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۹ قانون روسپیان مقرر می‌کنند که صاحبان اماکن فحشاء نسبت به جرایم مقرر در موارد مذکور که از ناحیه روسپیان ارتکاب می‌یابد مسئولیت کیفری دارند.

۴-۲-۷. قانون اماکن عمومی

به موجب قانون اماکن عمومی، صاحبان اماکن عمومی نسبت به برخی از جرایمی که در اماکن عمومی از ناحیه دیگران ارتکاب می‌یابد، مسئولیت کیفری دارند. افزون بر موارد مذکور، در سایر قوانین کیفری از جمله در مقررات بانکی و اعتباری و حق‌العمل‌کاری و قرارداد کار و دادوستد نیز جای پای مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری مشاهده می‌شود. آنچه از جمع این

مقررات برداشت می‌شود این مطلب است که مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در رابطه با اشخاص معین و در رابطه با نتیجه رفتار آنها نسبت به همدیگر حاصل می‌شود آن هم بدین دلیل که هم در وقوع جرایم به نوعی با همدیگر نقش دارند و هم مجازات جرم ارتكابی به گونه‌ای است که اعمال آن در باره یکی در باره دیگری هم به نوعی تأثیر دارد.

۵. مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در دکتین و رویه قضایی ایران و مصر

۱-۵. مصر

الف- نظر غالب حقوقدانان مصری بر این است که مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به نحوی که در قوانین کیفری مصر آمده نشانگر انحراف قانونگذار از اصول مسلم حقوق کیفری است. اما در اینکه منظور از انحراف قانونگذار، خروج از عرف قانونگذاری در شکل است یا ماهیت، اتفاق نظر ندارند. از این رو، در توجیه مخالفت یا موافقت با موضوع، بین حقوقدانان اختلاف نظر پیش آمده به طوری که حتی در تبیین مبنای این نوع مسئولیت هم باعث بروز مشکل گردیده است. اما نظر غالب بر این است که این نوع مسئولیت برخلاف اصول مسلم و مبانی حقوق جزای عمومی مصر است که بر این مبنا استوار است که «انسان مسئول کیفری شناخته نمی‌شود مگر نسبت به رفتاری که مستدلاً ثابت شود او در ارتكاب آن مباشرت نموده است». نتیجه اینکه اگر کسی از نظر کیفری مسئول عملی باشد که دیگری مرتکب شده است به معنای خروج از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. دیگر اینکه اکثر حقوقدانان مصری در اینکه اساس مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری بر فرض استوار است و با واقعیت و حقیقت سازگاری ندارد هم عقیده‌اند و می‌گویند که با این همه، قانونگذار مصری در به کار گرفتن این نوع مسئولیت در حقوق کیفری، به مصالح عملی و حمایت از منافع عمومی نظر داشته است. دیده می‌شود که برخی از حقوقدانان مصری در راستای توجیه مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به سوءنیت مجرمانه مرتکب بسنده می‌نمایند و می‌گویند: در چنین موردی از متهم در جهت نفی

اتهام، آوردن دلیل پذیرفته نیست (الهمشری، ۱۹۶۹: ۳۰۹). حکم دیوان عالی کشور مصر چنین ملاحظه کرده است که مسئولیت کیفری مالک و مدیر و ناظر محل نسبت به هرگونه تخلف از مقررات مسئولیتی است که قانونگذار در باره آنان لحاظ کرده و فرض را بر این قرار داده است که آنان از تخلفات ارتكابی در محل با خبر هستند، اگر چه در زمان وقوع جرم در محل حضور نداشته باشند و از همین روی از آنان عذر عدم اطلاع از آنچه در محل رخ داده پذیرفته نمی‌شود، مگر عذر قوه قهریه و فورس ماژور که موجب عدم امکان حضور آنان در محل و اعمال نظارت و پیشگیری از وقوع جرم باشد (احمد امنی، علی راشد، ۱۹۶۹: ۲۲۱).

ب- برخی از حقوقدانان با تفسیر موسع، از مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری بر این نظر هستند که این نوع مسئولیت شامل جرمی می‌شود که دارای عنصر مادی و عنصر معنوی است. از این رو، نتیجه می‌گیرند که انسان در چنین حالتی مسئول شناخته می‌شود، گرچه نسبت به جرمی که در وقوع آن مباشرت مادی نداشته و دخالتی هم در ارتكاب آن در هیچ کدام از اشکال شرکت یا معاونت در جرم به طوری که در قانون مجازات مقرر گردیده است ننموده است. بلکه اساس مسئولیت او این است که عمل مجرمانه‌ای که از دیگری سر زده است، به وی نسبت داده می‌شود آن هم از این جهت که او می‌توانست از وقوع آن جلوگیری کند، چنانکه کسی که عنصر مادی جرم را مرتکب شده عملاً فرمانبردار او بوده و او مسئولیت نظارت و کنترل رفتار او را به عهده داشته است. آنچنان که قانون مقرر کرده اگر او در انجام نظارت به وجه احسن عمل می‌کرد عمل مجرمانه‌ای که منجر به مجازات او شده است، رخ نمی‌داد. این نظریه تا آنجا پیش رفته که می‌گوید شخص مسئول در این مورد به طور کلی عاری از «تقصیر» نیست. تقصیر او این‌گونه توجیه می‌شود که در تمامی مواردی که قانونگذار فرض را بر وقوع خطا از جانب شخص مسئول می‌گذارد، دیگر نیازی به اثبات آن نیست. از همین روی است که از او دلیل نفی و ردّ اتهام پذیرفته نمی‌شود. زیرا او مکلف بود به تکلیف قانونی خود عمل نماید و از این رو نمی‌تواند مدعی عدم امکان اعمال آن گردد (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۷). اما به نظر می‌رسد این استدلال در رویه قضایی از سوی دادگاه‌های مصر پذیرفته نشده است. به عنوان مثال در موردی

دیوان عالی کشور مصر چنین رای داده است که «مسئولیت صاحب محل در رابطه با نوع مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری بر این فرض مبتنی است که قانون بر وجود تکلیف نظارت او در محل دلالت دارد و از این جهت وقوع جرم در محل، به حساب او گذاشته می‌شود. این تکلیف مستمر است و البته در مواردی با پذیرش عذر منطقی شخص مسئول، در مجازات او تخفیف حاصل و به جای حبس به پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود. بنابراین، در صورتی که ثابت شود که حضور مسئول در محل ناممکن بوده و از این رو نمی‌توانسته از وقوع جرم پیشگیری کند ادعای او پذیرفته می‌شود (سعیدمصطفی، ۱۹۷۰: ۲۹۳).

ب- برخی از حقوق‌دانان مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را به موارد زیادی تعمیم داده‌اند، به ویژه در جرایم اقتصادی (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۶) و بر این اساس می‌گویند مسئولیت در این خصوص یا مسئولیت «واقعی» مادی است یا وضعی «ساختگی و فرضی» و دو معیار دارد: ۱- اثبات وجود حالت مسئولیت و ۲- وقوع حادثه مجرمانه از سوی دیگری. اما ایرادهای بسیاری در این رابطه از سوی حقوق‌دانان به این نظر ارائه شده است، مانند وضع و حال کسی که کسی مالک و یا متصرف «مستأجر» باشد یا مدیر محل باشد. حتی می‌گویند که در تحقق این نوع مسئولیت نیازی به ثبوت وقوع خطا از جانب مسئول و یا وجود قرارداد نیست. بنابراین، صاحب محل و مدیر آن در قبال جرایم ارتكابی کارکنان و کارگران در محل، بی‌قید و شرط مسئول شناخته می‌شوند آن هم به جهت کفایت رکن مادی جرم در تحقق این نوع مسئولیت. در نتیجه به نظر می‌رسد در این نوع مسئولیت نیازی به اثبات عنصر معنوی نیست. زیرا حتی در صورت غیبت مسئول و شریک آنها در محل و یا اثبات عدم امکان اعمال نظارت، هیچ کدام از آنان معاف از مسئولیت کیفری نخواهند بود. طرفداران در توجیه این نظر می‌گویند: ۱- صاحب بنگاه و کارگاه یا مدیر آن که وقتی دانستند در قبال خطای کارمندان در محل کار مسئولیت کیفری خواهند داشت، هر آنچه در توان دارند در راستای پیشگیری از وقوع جرم و عملکرد بهتر کارکنان انجام خواهند داد و نسبت به اعمال نظارت و کنترل آنان دقت به کار خواهند بست تا دچار عواقب جزایی این مسئولیت نشوند (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۷). این علاوه بر جزای نقدی سنگینی است

که حتی در صورت پذیرش عذر، از سوی دادگاه به آنان تعلق خواهد گرفت و البته نسبت به کارمند یا کارگر هم شدت عمل در مجازات خواهد بود. دلیل دیگر این است که بنابر قاعده، وقتی صاحب بنگاه یا مدیر آن از سود کارکرد بنگاه و بازدهی آن بهره‌مند می‌شوند، عدالت ایجاب می‌کند که تبعات زیانبار خطای ارتكابی خود را در آن نیز متحمل شوند (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۸). وانگهی، سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در طریق توسعه اقتصادی محقق شدنی نیست، مگر با گسترش قلمرو مسئولیت کیفری مؤسسان و گردانندگان هسته‌های تولیدی (آمال، ۱۹۶۷: ۱۳۱). گروه دیگری از حقوقدانان می‌گویند مسئولیت کیفری به نحوی که گفته شد، اصلاً مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری نیست، بلکه در حقیقت همان مسئولیت کیفری معمولی است (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۸). مبنای آن هم رفتار و خطای کیفری دو نفر می‌باشد و قانون در چنین موردی شخص یا اشخاص معینی را ملزم و مکلف نموده است به اینکه در کار و رفتار دیگری مراقبت و نظارت نمایند، به طوری که این کار و رفتار به وقوع جرم منجر نشود. اگر این اشخاص به هر طریقی نسبت به انجام این تکلیف کوتاهی کنند و یا از اعمال کنترل و نظارت نسبت به رفتار دیگران امتناع نمایند این عمل آنان جرم محسوب می‌شود و عنصر مجرمانه آن هم همان عمل مادی است و اما عنصر معنوی آن، همان عمد مرتکب است که به خواست آنها در عدم تحقق این تکلیف برمی‌گردد. در فرضی هم که عمد در کار نباشد، جرم ارتكابی ناشی از خطا و غیر عمدی تلقی خواهد شد (نجیب حسنی، ۱۹۶۷: ۸۱۴).

۲-۵. جایگاه مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران

در نظام کیفری ایران در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها به دو مورد می‌توان اشاره کرد: ۱- مسئولیت کیفری مدیر مسئول نشریه در قانون مطبوعات ۲- مسئولیت کیفری کارفرما در قانون کار. اما در رابطه با مسئولیت عاقله، اگر به استناد ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قائل به کیفر بودن دیه باشیم، به نظر می‌رسد بتوان آن را به عنوان مصداق بارز مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری دانست، زیرا عاقله در رابطه با مسئولیتی که به وی تحمیل می‌شود

نه مرتکب جرمی شده و نه دارای تکلیف بوده و نه رفتاری نموده که در قبال جرم دیگری مسئول باشد. وانگهی، منشاء مسئولیت او هم روشن نیست و تنها مستند مسئولیت عاقله قانون است. ضمن اینکه در عمل هم اجرای این مسئولیت با اشکال مواجه است. در حقوق کیفری مصر هیچ ماده قانونی که وصف یا بیان یا تعریف مسئولیت کیفری به علت رفتاری دیگری را پیش‌بینی کند ملاحظه نمی‌شود. اما مصادیق آن در قوانین زیادی ذکر شده است، ضمن اینکه در عمل و در رویه قضایی از دادگاه‌های مصر در این خصوص از سال ۱۹۴۵ میلادی احکام زیادی صادر شده است که هم در نظر و هم در عمل رهگشای قانونگذار و دادگاه‌های مصر بوده است. اما در نظام کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحول عمده‌ای در این رابطه به وقوع پیوست که گویای پذیرش مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری از سوی قانونگذار ایرانی در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، چنانکه این ماده مقرر نموده است که «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود». اگرچه این معنا نیاز به تفسیر و در عمل به توجیه و انطباق از سوی رویه قضایی و دکترین دارد و پاسخگوی همه جانبه نیست، اما نقطه عطف مهمی است که امید است نتیجه‌بخش بوده و جای خالی موازین مورد نیاز را در عمل پر کند.

۶. تحلیل معیار مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران و مصر

۶-۱. مصر

اصل این است که انسان مسئولیتی نسبت به رفتار دیگری ندارد، بلکه فقط مسئول اعمال خودش است. این اصل از پایه‌های اساسی در حقوق کیفری است و از همین روی در تفسیر قوانین کیفری نقش کلیدی دارد. چنانکه هر جا ضرورت در تفسیر و توجیه نصوص قانونی پیش آید لازم است آنچه که موافق این معنی است لحاظ شود. بنابراین پذیرفتن مسئولیت کیفری کسی نسبت به رفتار

دیگری جایز نیست مگر در موردی که استثنائاً قانون به آن تصریح نموده باشد. البته این مورد هم به ندرت پیش می‌آید. در مواردی خاص هم که در قوانین جزایی مصر به آن اشاره شده است، به نظر می‌رسد که دلالت بر قصد خروج مقنن مصری از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری ندارد. ضمن اینکه مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری بیانگر این است که شخص مسئول تبعات رفتار دیگری را به جهت ارتباط معین با وی، مانند سرپرستی، مدیریت و متبوعیت و آمریت و یا سیادت و بالاخره خویشاوندی تحمل می‌کند. دو وجه در این رابطه بارز است: نخست اینکه شخص مسئول شناخته می‌شود به رغم اینکه مرتکب هیچ رفتار ممنوع قانونی نشده است. دوم اینکه مسئولیت کیفری به شخص تحمیل می‌شود در حالی که قانوناً هیچ سلطه‌ای به شخص مرتکب جرم ندارد. ضمن اینکه در چنین مواردی که مسئولیت کیفری به غیر مرتکب رفتار مجرمانه تحمیل می‌شود، نه از این جهت که او انجام دهنده فعل است، بلکه از این جهت است که او از انجام تکلیف قانونی‌اش خودداری کرده است. از این رو، او از جهت جرمی که انجام داده مسئولیت دارد و این یک جرم سلبی است که «از جهتی قابل انکار و از جهتی قابل اثبات است». در باره عنصر مادی جرم هم باید گفت که کسی از روی قصد و عمد از انجام تعهد «فعل یا ترک فعل» که به موجب قانون عهده‌دار شده است خودداری می‌کند. در حالی که برخی از نویسندگان حقوقی در کشور مصر ضمن اینکه موضوع را پیچانده‌اند چشم بر این مهم بسته‌اند و متأسفانه در صدور احکام، دادگاه‌ها هم بدون توجه به ماهیت این نوع مسئولیت، با آنان همراهی نموده‌اند. به نظر می‌رسد که قضیه برای آنان این گونه جا افتاده است که مسئولیت کیفری در این رابطه به جهت تعهد به نظارت و کنترل است، در حالی که التزام مسئول در این مقام به معنی ممانعت از وقوع جرمی است که قانون به عدم وقوع آن هشدار داده است. همین نکته موجب خلط مبحث و منجر به اظهار نظرهایی گردیده که نه موافق منظور قانونگذار مصر است و نه با واقعیت انطباق دارد (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۸). واقع امر این است که قانونگذار مصری، در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری مسئول را به جهت عدم انجام تعهد و یا عدم اعمال نظارت و کنترل نسبت به کارکنان مستحق مجازات نمی‌داند، بلکه او را مجازات می‌کند حتی

اگر او دلیل بیاورد که تمام کوشش خود را در اعمال نظارت و مراقبت به کار بسته است یا دلیل بیاورد که او ناتوان از اعمال نظارت بوده است. در غیر این صورت، اگر التزام مسئول منحصرأ در گرو همین چارچوب باشد با اثبات هر کدام از دو مورد پیش گفته دیگر نباید مجازات شود. بر همین اساس حقوقدانان در این نکته هم باورند که مسئولیت از او ساقط نمی‌شود، حتی اگر ثابت کند که مدیر هم در محل حضور داشته است، زیرا قانون مدیر را جانشین او در مسئولیت قرار نداده است و بلکه هر دو آنها را با هم و مانند هم مسئول شناخته است. به این ترتیب مسئولیت از او ساقط نمی‌شود اگرچه ثابت کند که عدم اعمال مراقبت و نظارت از سوی او در محل به جهت بیماری و یا مشغله زیاد و یا سفر بوده است. این نظر با اغلب نصوص قانونی در این رابطه تطبیق می‌کند (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۴۹). حقوقدانان مصری مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را چنین توجیه می‌کنند که مجازات به سبب خطایی است که از مجازات شونده سر زده است و نه به جهت رفتار دیگری، اما واضح است که خطای شخص مجازات شونده به حسب قانون فرض شده است و اعتبار خطای او ناشی از رفتاری است که دیگری مرتکب آن شده و او به هیچ نحوی در آن شرکت نداشته است (العودة، ۲۰۰۲، ۱۳۶).

۶-۲. معیار مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری ایران

پیشتر گفته شد که مستند قانونی مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. اکنون از نظر مصداق علاوه بر موارد مسئولیت عاقله می‌توان به ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی و تبصره ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ اشاره کرد که مقرر نموده است «کارکنان و وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوطه در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست». به نظر می‌رسد جای چنین مواردی در قانون مجازات اسلامی است و یا تبصره ماده ۱۴۵ و مواد ۲۱۵ و ۲۵۷ و ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با مسئولیت دولت در پرداخت هزینه‌های ناشی از

دادرسی. ضمن اینکه به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی از بین نظرات و آرای که در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری ارائه شده، نظری را که مربوط به اتصال مسئولیت صاحب محل و مدیر و کارمند که بر تخلف از تکلیف اعمال نظارت بر کار کارمند و کارگر مبتنی است، «نظریه تقصیر» را پذیرفته و معتقد به جدا بودن مسئولیت آنان از همدیگر و مستقل بودن مسئولیت کیفری رئیس و صاحب کار و مدیر و سرپرست و کارگر از همدیگر نیست. در رابطه با رویه قضایی هم با توجه به نو بودن این نوع مسئولیت در آراء صادره از دیوان کشور که طبعاً در رابطه با آرای محاکم ابتدایی و تجدیدنظر است در مجموعه‌های آراء و احکام موردی به نظر نمی‌رسد. شاید در احکام دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر مواردی باشد که مورد تجدیدنظر خواهی قرار نگرفته و یا به هر عنوان در دیوان کشور مطرح نشده باشد، اما نادر است.

۷. نمونه‌ای از آراء در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در رویه

قضایی مصر

در این رابطه به چند رای دیوان کشور مصر اشاره می‌شود:

۷-۲. «... وقتی با احراز تقصیر فرجام‌خواهان از باب پخت و عرضه نان در کمتر از وزن مقرر در قانون بر اساس اینکه اولی صاحب نانویی و دومی مدیر مسئول در محل بوده‌اند و در باره مباشر جرم در زمان ارتکاب جرم حکم به تبرئه صادر گردیده، در حالی که او بوده که خمیر را جهت پخت می‌بریده و «چونه» می‌گرفته و قانون مجازات مسئولیت کیفری صاحب محل و مدیر آن را جدا از مسئولیت مباشر در نظر گرفته است از این رو، از این جهت تعارضی در محکومیت آنان نه از جهت واقع امر و نه از جهت قانون به نظر نمی‌رسد و رای فرجام‌خواسته ابرام می‌شود.» رأی مورخه ۱۵/۱۲/۱۹۵۲ مندرج در مجموعه آراء دیوان کشور مصر سال چهارم ص ۲۳۹ شماره ۹۴.

۲-۷. «... فرجام‌خواه اظهار نموده که او خطایی را مرتکب نشده و بی‌تقصیر است و آنچه که به وی نسبت داده شده است رفتار شخص دیگری بوده که او مداخله‌ای در آن نداشته است و بلکه متهم ردیف اول که فردی بیگانه بوده و در محل سمتی نداشته آن را انجام داده است و درب محل را بدون اطلاع او باز کرده و مبادرت به فروش نموده و او در محل حاضر نبوده است. این اظهار از این جهت دارای اهمیت است که ترتب مسئولیت کیفری به وی از نظر ارتکاب عنصر مادی جرم از ناحیه کارگزار بوده و اگر خلاف این معنی محرز باشد، دیگر تحمیل مسئولیت کیفری به فرجام‌خواه به عنوان صاحب محل که دادگاه حکم به مجازات وی صادر نموده جایز نیست. از این رو، رای فرجام‌خواسته مخدوش به نظر می‌رسد و نقض می‌گردد». ۱۹۷۰/۵/۱۱ - مجموعه احکام دیوان کشور سال ۲۱ ص ۷۰۰ شماره ۱۶۵.

۳-۷. «... صاحب محل و مدیر و سرپرست در رابطه با اعمالی که در محل انجام می‌شود مسئول هستند و عذر اینکه چون در محل حضور نداشته‌اند و از جرمی که رخ داده است بی‌اطلاع بوده‌اند، به جز موردی که به عنوان فورس ماژور، و در نتیجه قوه قاهره به طوری که مانع انجام مراقبت و نظارت در محل و پیشگیری از وقوع جرم باشد پذیرفته نیست. عذر قهری آن است که برخلاف انتظار پیش آید و شخص را از انجام امور عادی روزمره ناتوان سازد، مانند بیماری که عارض شود به طوری که شخص از حرکت و انجام کار بازماند.» مجموعه احکام دیوان کشور - مورخه ۱۳۷۲/۱/۱۶ سال ۳۲ ص ۷۲ (عوض محمد، ۱۹۸۷: ۴۵۰).

۸. شرایط مسئولیت کیفری و مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در نظام کیفری

ایران و مصر

باتوجه به آنچه گذشت به نظر می‌رسد برای تحقق مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری احراز شرایط زیر ضروری است:

- ۱- جرم بودن عمل مرتکب اصلی - شرط نخست مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری این است که رفتار ارتكابی از نظر قانون و شرع جرم شناخته شود و قابل مجازات باشد. از این جهت می‌توان گفت که ارتكاب جرم توسط دیگری پایه این نوع مسئولیت را تشکیل می‌دهد.
- ۲- ارتكاب جرم توسط مرتکب اصلی ناشی از خطا و غیر عمدی باشد.
- ۳- جرم ارتكاب یافته از سوی مرتکب اصلی بایستی در ارتباط با موازین و مقرراتی باشد که مسئول رفتار «به موجب قانون» شخصاً تعهد انجام آن را نموده است، به این معنی که مسئول مذکور علاوه بر اینکه مکلف به رعایت آن موازین و مقررات است، تضمین مطابقت همه رفتارهای ارتكابی در رابطه با کار را با مقررات بر عهده دارد. یعنی خود وی از همان جهت که گماشتگان وی انجام می‌دهند مسئول و پاسخگوی در برابر جامعه باشد. به عبارت دیگر مسئول رفتار دیگری خود شخصاً تعهد انجام آن نظامات را نموده باشد.
- ۴- ضمانت اجرای مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری مالی باشد، مانند جزای نقدی و تأدیة دیه.
- ۵- خطا یا تقصیر ارتكابی از سوی غیر از سوی قانون مشخص شده باشد.
- ۶- پایه و اساس مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری هم تقصیر و خطای مرتکب اصلی است از جهت عدم رعایت مقررات و موازین مربوط به کار و تکلیفی که عهده‌دار آن است و هم تقصیر و خطای مسئول است از جهت عدم اعمال نظارت و کنترل از باب سرپرستی مرتکب اصلی در مراعات موازین و نظامات.
- ۷- ارتكاب رفتار مجرمانه از سوی مرتکب بایستی در حین انجام وظیفه و تکلیف باشد.
- ۸- مسئول کیفری به علت رفتار دیگری بایستی توانایی و امکان نظارت و کنترل نسبت به رفتار مرتکب اصلی جرم و «خطای و تقصیر او» را در زمان و مکان ارتكاب آن داشته باشد. برای مثال به علت قوه قاهره از اعمال تکلیف قانونی بازمانده نباشد و یا تکلیف خود را وفق مقررات به دیگری واگذار نکرده باشد.

۹- مسئولیت به علت رفتار دیگری وقتی مصداق دارد که مسئول عمداً از عمل به تکلیف سرباز نزده باشد.

۱۰- ممکن است مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به نوعی نتیجه رفتاری باشد که خود شخص مسئول مرتکب شده اعم از فعل و ترک فعل و نه خطا. برای مثال در مورد ماده ۴۳۴ قانون مجازات اسلامی که کسی فردی را که مرتکب جنایت عمدی شده است فراری دهد که در این صورت به تحویل وی الزام می شود و به درخواست ذی نفع بازداشت و در فرض فوت یا تعدد دستگیری فراری، دیه از اموال فراری دهنده اخذ می شود.

۱۱- مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به موجب قانون و در حد نص قانونی قابل اعمال است و از این رو تاب تفسیر و سرایت به موارد غیر نص و یا قیاس را ندارد.

۱۲- در مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، علم و اطلاع مسئول اصلی شرط است تا موجب مسئولیت حاصل شود و در این مورد مسئولیت او مستقیم است.

۱۳- ممکن است مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به طور مقید یا نامستقیم باشد مانند عدم صدور دستور منع یا نهی یا سکوت با وجود مشاهده وقوع خطا یا اطلاع از ارتکاب خطا از سوی دیگری که نوعی جواز عملی برای مرتکب جرم محسوب می شود.

نتیجه:

نخست: با توجه به بررسی به عمل آمده، به جز مواردی از قبیل مسئولیت مدیر مسئول نشریه در قبال مطالب مندرج در نشریه ناشی از رفتار نویسنده و مسئولیت کارفرما از عمل خطایی کارگر و نیز مسئولیت عاقله در خصوص جنایت خطایی فرد در نظام کیفری ایران، مصداق دیگری را نمی شود مطرح کرد مگر دو مورد، یکی فراری دادن متهم در ماده ۴۳۹ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و دیگری ماده ۲۹ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با مسئولیت ضابطان دادگستری در خصوص اعمال مأمورین وظیفه که تحت امر آنان انجام وظیفه می نمایند. البته برخی موارد از مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری را در رابطه با مسئولیت کیفری شخص

حقوقی هم در قوانین پیش از انقلاب اسلامی و هم پس از آن می‌توان در قوانین موضوعه ایران مشاهده نمود.

دوم: آنچه در بررسی موضوع به دست می‌آید این است که در مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، حالات زیر متصور است:

۱- بنا به تکلیف قانون، شخصی از باب ریاست و آمریت، مسئولیت رفتاری دیگری را به عهده می‌گیرد.

۲- بنا به امر قانون شخصی از باب سرپرستی و وظیفه مراقبت و نظارت، مسئولیت رفتار دیگری را به عهده می‌گیرد.

۳- بنا به تکلیف قانون شخصی یا اشخاصی به صرف خویشاوندی مسئولیت را به عهده می‌گیرند.

۴- بنا به عرف عملی که گاهی قانون نیز بر آن صحه می‌گذارد، مخدوم پاسخگوی و مسئول رفتار خادم خود می‌باشد.

سوم: مبنای مسئولیت در مورد اول و دوم، ترک تکلیف یا عدم عمل به وظیفه سرپرستی از سوی مسئول و عمدی نبودن عمل ارتكابی است و مبنای مسئولیت در مورد دوم خطا و سرپیچی از تکلیف و مسامحه و بی‌احتیاطی مرتکب است. مبنای در مورد سوم صرفاً نسبت خانوادگی و خویشاوندی نسبی و پدری است و توجیه دیگری ندارد. اما مبنای در مورد چهارم عرفاً و از جنبه حقوقی بر قدرت و سیطره مخدوم بر خادم معطوف است که فاقد اراده بوده و فقط آلت دست مخدوم است.

چهارم: در نظام کیفری مصر، در قانون مجازات عمومی نهادی در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری به عنوان مساهمه وجود دارد که به نوعی مرتکب جرم را با کارفرما و سرپرست و صاحب کار و مدیر شریک جرم محسوب می‌کند و صرفاً به نسبت نوع و اهمیّت و آثار جرم «خطای جزایی» سرزده از آنان که در اغلب موارد کفّه ترازو به ضرر صاحب کار، سرپرست و مدیر سنگینی می‌کند، آنان را مسئول می‌شناسد.

پنجم: در مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری مرتکب جرم، با لحاظ مجازات مسئول، اعم از صاحب کار و سرپرست و مدیر و کارفرما به کلی از مسئولیت بری نمی شود. البته در رابطه با مسئولیت عاقله در حقوق ایران، پاسخ مثبت است، لیکن در سایر موارد، از دیدگاه حقوقی به نظر می رسد محکوم علیه اعم از صاحب کار و کارفرما سرپرست و مدیر، حق رجوع و مطالبه خسارت حاصل از تقصیر جزایی ارتكابی از کارگر را خواهند داشت.

ششم: مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری در حقوق کیفری در حقیقت یک استثناء بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است و تنها در موارد منصوص در قانون قابل اعمال است و تاب تفسیر ندارد. از این رو، رویه قضایی هم نمی توان دامنه آن را بگسترده و جز در موارد «مقرر در قانون»، باید به اصول مسلم حقوق کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری پایبند بود. بدیهی است احراز شرایط مندرج در قانون از جمله وجود تکلیف و وظیفه نظارت و مراقبت در رابطه با صاحب کار، کارفرما و مدیر در این زمینه از ضروریات است.

منابع

الف. فارسی

- آقایی جنت مکان، حسین. (۱۳۹۰). حقوق کیفری عمومی، چاپ اول، تهران، جنگل.
- انطون الیاس، انطون، (۱۳۵۸). القاموس العصری، ترجمه سیدمصطفی طباطبایی، تهران، اسلامیّه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۰)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوازدهم، تهران، گنج دانش.
- عمید، حسن. (۱۳۵۴). فرهنگ فارسی، چاپ نهم، تهران، نشر جاویدان.
- محمدی، حمید. (۱۳۹۵). مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- نوربها، رضا. (۱۳۶۷). زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، کانون وکلای مرکز.

ب. عربی

- العوده، عبدالقادر، (۲۰۰۲). التشریح الجناری، جامعه الحلبي: بیروت.
- سعید مصطفی، سعید. (۱۹۷۰). الاحکام العامه فی القانون العقوبات، جامعه القاهره.
- آمال، عبدالرحیم عثمان. (۱۹۶۷). الجرائم للنشر، قاهره، مطبعه العلمی.
- امنی احمد و علی راشد. (۱۹۶۹). نشریه القانون العقوبات، القسم الخاص، جامعه القاهره.
- الهمشری محمود عثمان. (۱۹۶۹). المسؤلیه الجنائیه عن فعل الغیر، جامعه القاهره.
- عوض محمد، محمد. (۱۹۸۷). قانون العقوبات، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیّه.
- محمود مصطفی، محمود. (۱۹۶۶). الجرائم الاقتصادیّه، جامعه القاهره.
- نجیب حسنی، محمود، (۱۹۶۷). شرح قانون العقوبات، قسم العام، جامعه القاهره.



The Criterion of Criminal Liability Resulting from other's Action in the Criminal System Iran and Egypt

Hamid Mohammadi¹

(Received: 24/ 6/ 2017 - Accepted: 3/ 11/ 2017)

Abstract

The criminal liability will not be realized, but under two circumstances: enjoying resolution power and free will. Lacking one of these two circumstances is considered as a barrier to the criminal liability. Therefore, the resolution power and free will are two basic conditions of the criminal liability. In Iranian criminal system, the criminal liability would be realized when a criminal is sane, mature and enjoy full discretionary power. In Egyptian criminal system, it is presumed that punishment is personal. The Egyptian criminal system approved the criminal liability of other's action in 1945 and applied it. There is no clear definition, and its scope is not restricted. The criminal responsibility resulting from other's action is fully limited to the text of the law in Iranian criminal system. The judicial process is practically unable to identify and create it. In addition to ensuring the public interests, the criminal responsibility resulting from other's action is both preventive and deterrent. It also plays a constructive role in the economy and protecting workers' right and capitalists. Accordingly, if it considered outside the law, it may cause harmful effects.

Keywords: Criminal Liability, Others' Action, Criminal System, Criterion, Iran, Egypt.

1. Assistant Professor in Criminal Law and Criminology, Azad University of Tehran (Central branch), Tehran: h.mohamadi2216@gmail.com